محمد صالح گردش ۰٤/۰۳/۲۰۲۳

آیا دادیک های هرودوت تاجیک اند؟

«هرودوت»، مؤرخ دنیای قدیم از موجودیت چند قوم و مردمی در سرزمین پکتیس یا پکتیای امروزی اطلاع می دهد که اسم آن قبایل این هاست: «گندهاری»، «ستاگیدیا»، «دادیک» و اپاریتی. دانشمندان تاریخ و زبان، گندهاری ها را باشندگان گندهارا (ننگرهار) یکی دانسته اند که البته اسم شهر کندهار نیز مشتق از همان ریشه به نظر می رسد. ستاگیدی را نیز با قبیله ختک که یکی از قبایل مشهور قوم پشتون است منطبق دانسته اند. اپاریتی ها را نیز با مردم آفریدی ها، قوم دگر پشتون که بیشتر باشندگان دره خیبر اند پیوند زده اند، که البته در رابطه هیچ شکی و تردیدی باقی نمی ماند اما تعدادی از مؤرخین و هم دانشمندان تاجیک تبار ما، دادیک های دوران هرودوت در پکتیا را با اسم تاجیک قرین و قریب و منطبق دانسته اند. با احترام به حدس و گمان آنعده می افزایم که دادیک های هرودوت با تاجیک های امروزی در پکتیا تطابقت نخواهد داشت، زیرا نظر به اطلاعات مؤثق، شاخه قومی را به نام«دادی» در میان قبایل آنسوی سرحد داریم، همچنان منطقهٔ بزرگ و نیز قومی را به نام «داتاخیل » در سرزمین وزیرستان در مجاورت پکتیای امروزی در نظر باید داشت. همینگونه قومی از اقوام پشتون به نام «دادوخیل» که ایشان نیز پشتون و در ولایت لوگر بسر می برند نیز وجود دارند و هم در پیوند موضوع، اسم «طوطاخیل» از باشندگان پکتیا نیز با اسم دادیک که هیأت ساختاری آن از زبان پهلوی به نظر می رسد را می باید درنظر گرفت. اینها هر کدام به احتمال زیاد شاخه ی از همان قوم دادیک خواهند بود که هرودت از موجودیت شان در سرزمین پکتیا یادآور گردیده است. پس اقوام باشنده ی را که هرودت یادآور شده همه پشتون تبار و زبان شان نیز ممکن نیای زبان پشتوی امروز بوده است. حال می ماند پارسی دری زبانان گردیز که ایشان چگونه در این سرزمین و بین قبایل پشتون از گذشته جاگیر شده اند؟ این موضوع از آنجاست که وقتی سلطان محمود غزنوی بعد از در گذشت پدرش امیر سبکتگین در غزنه امور سلطنت را در دست گرفت، حاکمیت و زمامداری امیرخلف بانو، یکی از نوادگان عمرولیث که در سیستان حکومت مستقل داشت را تحمل نتوانست و با لشکرکشی به حاکمیت آل لیث در سیستان نقطه پایان گذاشت. سلطان محمود بعد از تصرف سیستان یک کتله از مردم سیستان را به سرزمین پکتیا تبعید و جا بجا نمود و شخص امیرخلف بانو را با خانواده اش در سرزمین گوزگانان جا داد. ر. ک: (مرقد امیر خلف بن احمد صفاری. پور تال افغان جرمن. همین قلم)

بنابرین حضور دری زبانان فعلی در سرزمین پکتیا از زمان سلطان محمود به این طرف مرتبط بوده است که آنها را نباید با دادیک های دوران هرودت به اشتباه گرفت. با تصدیق دری زبان بودن اهل گردیز، از یک لحاظ دگر نیز دری زبانان آنجا تاجیک نخواهند بود زیرا در سرزمین سیستان تاجیک ها چندان حضور قابل ملاحظه به شکل کتلوی و تاریخی نداشته اند و می باید اهل آنجا را سیستانی یا سکزی دانست و هم یک کتله بزرگ از جامعه دری زبانان که ایماق ها بوده باشند در سرزمین های سیستان و غور و هرات و گوزگانان و بادغیس و حتا ایران امروزی از گذشته ها حضور فزیکی داشته اند. اینکه آیا ایماق های دری زبان، تاجیک بوده اند و یا تاجیک ها ایماق و یا اینکه این دو طایفه تعلقات خونی چندانی نداشته اند، به یک بحث تاریخی و ریشه یی نیاز دارد و در اینجا فقط متذکر می گردم که هر مردم سنی مذهب دری زبان در افغانستان تاجیک نیست و بیدون تعمق نباید تاجیک خطاب شان نمود. آنچه از تعلقات اخیر دو قوم تاجیک و ایماق در تحولات سی سال اخیر و حاکمیت چند خانواده تاجیک تبار در دولت های چند صباحی شان نیز برمی آید، محال است ایماق ها را تاجیک و هم تاجیک ها را ایماق قلمداد نمود. فکر می کنم که کلمهٔ تاجیک بیشتر می باید به خانواده های

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

باز مانده کسانی اطلاق گردد که در طول دو یا یک و نیم قرن اخیر از سرزمین های آنسوی دریای آمو به این سو سکنی گزیده اند و نه به همه پارسی دری زبانان این جغرافیای سیاسی .

یک موضوع دیگری که در اینجا می باید تذکر داد اینست که ملیت پشتون، مردمی با تحمل و همه شمول اند و باوجودی که دری زبانان سیستان در ولایت پکتیا در اقلیت قرار داشته اند هرگز با خصم و خصومت های تباری و زبانی پشتون ها مواجه نگردیده اند و قرن ها را در کنار همدگر زیسته اند. این مدارا و تحمل پشتون ها تنها با دری زبانان گردیز نبوده است که تا هنوز اقلیت های سیک و هندو نیز در کنار ایشان به آرامی و بدون عصبیت ورزی زیسته اند. اما قسمی که اطلاع داریم هندو ها و سیک های افغان در اماکن و جاهای دگر و از جمله در کابل مصئونیت نداشتند و با ظلم و بی عدالتی های کسانی مواجه گردیدند که پشتون تبار نبوده اند، چنانکه ظلم و بیداد همانها سبب و عامل مهاجرت های دستجمعی اقلیت هندوباور های ما به بیرون از مرز های افغانستان نیز گردید.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ